



# مروری بر واژه‌های روان‌شناختی قرآن

حجت‌الاسلام دکتر محمد کاویانی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه  
بهار ۱۴۰۲

کاویانی، محمد، ۱۳۴۱ فروردین -  
مروری بر واژه‌های روان‌شناختی قرآن کریم / محمد کاویانی. -- قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۲.  
بازده، ۲۶۷ص. -- (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۶۷۱: روان‌شناسی؛ ۶۱)  
بها: ۱۲۰۰۰۰ ریال  
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.  
کتابنامه. ص. [۲۴۵] - ۲۵۵؛ همچنین به صورت زیرنویس.  
۱. قرآن -- روان‌شناسی. ۲. Qur'an -- Psychology. ۳. قرآن -- واژه‌شناسی. ۴. Qur'an -- Lexicology.  
۵. قرآن -- مسائل ادبی -- معانی و بیان. ۶. Rhetoric in the Qur'an. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.  
BP۱۰۳/۵ ۲۹۷/۱۵۷  
شماره کتابشناسی ملی ۹۱۴۴۹۸۲



### مروری بر واژه‌های روان‌شناختی قرآن

مؤلف: حجت‌الاسلام دکتر محمد کاویانی (دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه‌آرایی: تحریر اندیشه

چاپ اول: بهار ۱۴۰۲

تعداد: ۳۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سبحان

قیمت: ۱۲۰۰۰۰ تومان

---

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.  
قم: ابتدای شهر پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص.ب. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵  
تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۰۲۶۰۲۶۴۰۶۶۴  
www.rihu.ac.ir info@rihu.ac.ir  
فروشگاه اینترنتی: http://rihu.ac.ir/fa/book  
مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

## سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظرگرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به‌عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی علیه‌السلام، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۶۷۰ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر به عنوان متن درسی برای درس «تفسیر روان‌شناختی آیات قرآن» در رشته «قرآن و علوم، گرایش روان‌شناسی» و نیز به عنوان منبع درسی برای واحد درسی «روان‌شناسی در قرآن و حدیث» در تمام گرایش‌های روان‌شناسی در مقطع کارشناسی ارشد قابل استفاده است. افزون بر این، با معرفی موضوعات پژوهشی متنوع، برای پژوهشگران در حیطه «قرآن و روان‌شناسی» نیز مفید خواهد بود.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار موردنیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم، اثر حجت‌الاسلام‌والمسلمین دکتر محمد کاویانی و نیز از ارزیابان محترم اثر، حجت‌الاسلام‌والمسلمین دکتر محمدصادق شجاعی و حجت‌الاسلام‌والمسلمین دکتر سید محمود طیب‌حسینی سپاسگزاری کند.

## فهرست مطالب

۱	پیشگفتار
فصل اول: پیش فرض‌های نظری روان‌شناسی اسلامی در واژه‌های قرآن	
۱۲	قیامت
۱۲	تبیین لغوی
۱۲	تبیین قرآنی
۱۴	تبیین روان‌شناختی
۱۷	پیشنهاد‌های پژوهشی
۱۷	غیب
۱۷	تبیین لغوی
۱۹	تبیین قرآنی
۲۱	تبیین روان‌شناختی
۲۳	پیشنهاد‌های پژوهشی
۲۳	مسئولیت
۲۳	تبیین لغوی
۲۳	تبیین قرآنی
۲۸	تبیین روان‌شناختی
۳۱	پیشنهاد‌های پژوهشی
۳۱	شیطان
۳۱	تبیین لغوی
۳۲	تبیین قرآنی
۳۵	تبیین روان‌شناختی
۳۷	پیشنهاد‌های پژوهشی

## فصل دوم: مفاهیم اساسی روان‌شناسی اسلامی در واژه‌های قرآن

۴۰	.....نفس
۴۰	.....تبيين لغوی
۴۱	.....تبيين قرآنی
۴۶	.....تبيين روان‌شناختی
۴۸	.....پيشنهادهای پژوهشی
۴۹	.....قلب
۴۹	.....تبيين لغوی
۴۹	.....تبيين قرآنی
۵۲	.....تبيين روان‌شناختی
۵۴	.....پيشنهادهای پژوهشی
۵۴	.....صدر
۵۴	.....تبيين لغوی
۵۵	.....تبيين قرآنی
۵۷	.....تبيين روان‌شناختی
۵۸	.....پيشنهادهای پژوهشی
۵۸	.....فؤاد
۵۸	.....تبيين لغوی
۵۹	.....تبيين قرآنی
۶۱	.....تبيين روان‌شناختی
۶۲	.....پيشنهادهای پژوهشی
۶۳	.....روح
۶۳	.....تبيين لغوی
۶۳	.....تبيين قرآنی
۶۵	.....تبيين روان‌شناختی
۶۷	.....پيشنهادهای پژوهشی
۶۷	.....فطرت
۶۷	.....تبيين لغوی
۶۸	.....تبيين قرآنی
۷۰	.....تبيين روان‌شناختی
۷۲	.....پيشنهادهای پژوهشی
۷۳	.....شاکله
۷۳	.....تبيين لغوی
۷۴	.....تبيين قرآنی
۷۵	.....تبيين روان‌شناختی

پیشنهادهای پژوهشی ..... ۷۹

### فصل سوم: نگاهی به صفات شخصیت در واژه‌های قرآن

۸۳	..... رویکرد قرآنی به شخصیت
۸۴	..... صفات شخصیت از دیدگاه قرآن
۸۷	..... قسم اول: صفات انسان‌شناختی ثابت و عمومی
۸۷	..... دوساحتی بودن انسان
۸۸	..... نمایندگی خداوند و فساد و خونریزی
۸۸	..... خلقت از گل و دمیده شدن روح الهی در او
۸۹	..... دارای فطرت متعادل و خلقتی نیکو
۸۹	..... دارای اراده و اختیار
۹۰	..... دارای کرامت و فضیلت
۹۰	..... اهل مجادله
۹۱	..... «ضعیف» و «در رنج»
۹۲	..... بخیل (قتور)
۹۲	..... عجول
۹۳	..... کفور، ظلوم و جهول
۹۵	..... غرور (فریب)
۹۵	..... قسم دوم: صفات انسان‌شناختی فعلی و موقعیتی
۹۸	..... واژه‌هایی از لوازم شخصیت قرآن‌بنیان
۹۸	..... توبه
۹۹	..... واژه‌شناسی توبه
۱۰۰	..... مفهوم‌شناسی قرآنی
۱۰۱	..... نگاه روان‌شناختی به توبه
۱۰۳	..... پیشنهادهای پژوهشی
۱۰۴	..... احباط و تکفیر
۱۰۴	..... تکفیر گناهان
۱۰۵	..... احباط
۱۰۶	..... بحث روان‌شناختی

### فصل چهارم: بعضی از تیپ‌های شخصیتی در واژه‌های قرآن

۱۱۱	..... تیپ‌شناسی در قرآن کریم
۱۱۳	..... سه تیپ شخصیتی «مؤمن، کافر، منافق»
۱۱۳	..... مفهوم‌شناسی
۱۱۴	..... مؤمن

۱۱۵	.....	کافر
۱۱۶	.....	منافق
۱۱۷	.....	بررسی روان‌شناختی
۱۲۰	.....	پیشنهاد‌های پژوهشی
۱۲۱	.....	تیپ شخصیتی فاسق
۱۲۱	.....	تبیین لغوی
۱۲۱	.....	تبیین قرآنی
۱۲۴	.....	تبیین روان‌شناختی
۱۲۶	.....	پیشنهاد‌های پژوهشی
۱۲۷	.....	تیپ شخصیتی مجرمین
۱۲۷	.....	تبیین لغوی
۱۲۸	.....	تبیین قرآنی
۱۳۴	.....	تبیین روان‌شناختی
۱۳۹	.....	پیشنهاد‌های پژوهشی

#### فصل پنجم: برخی از واژه‌های قرآن در حیطه روان‌شناسی شناختی

۱۴۲	.....	واژه تفکر
۱۴۲	.....	تبیین لغوی
۱۴۲	.....	تبیین قرآنی
۱۴۵	.....	تبیین روان‌شناختی
۱۴۸	.....	پیشنهاد‌های پژوهشی
۱۴۸	.....	واژه حکمت
۱۴۸	.....	تبیین لغوی
۱۴۹	.....	تبیین قرآنی
۱۵۱	.....	تبیین روان‌شناختی
۱۵۳	.....	پیشنهاد‌های پژوهشی
۱۵۳	.....	واژه یقین
۱۵۳	.....	تبیین لغوی
۱۵۵	.....	تبیین قرآنی
۱۵۸	.....	تبیین روان‌شناختی
۱۶۰	.....	پیشنهاد‌های پژوهشی
۱۶۰	.....	واژه شک
۱۶۰	.....	تبیین لغوی
۱۶۱	.....	تبیین قرآنی
۱۶۶	.....	تبیین روان‌شناختی



۱۶۸	پیشنهادهای پژوهشی
۱۶۸	نسیان
۱۶۸	تبیین لغوی
۱۶۹	تبیین قرآنی
۱۷۲	تبیین روان‌شناختی
۱۷۳	پیشنهادهای پژوهشی

### فصل ششم: تداعی معنای «انگیزش» در بعضی از واژه‌های قرآن

۱۷۵	رغبت
۱۷۶	تبیین لغوی
۱۷۶	تبیین قرآنی
۱۷۷	تبیین روان‌شناختی
۱۷۸	پیشنهادهای پژوهشی
۱۷۸	محبت
۱۷۸	تبیین لغوی
۱۷۹	تبیین قرآنی
۱۸۱	تبیین روان‌شناختی
۱۸۳	پیشنهادهای پژوهشی
۱۸۴	بغض
۱۸۴	تبیین لغوی
۱۸۵	تبیین قرآنی
۱۸۷	تبیین روان‌شناختی
۱۸۸	پیشنهادهای پژوهشی
۱۸۹	حرص
۱۸۹	تبیین لغوی
۱۹۰	تبیین قرآنی
۱۹۲	تبیین روان‌شناختی
۱۹۴	پیشنهادهای پژوهشی
۱۹۵	حاجت
۱۹۵	تبیین لغوی
۱۹۶	تبیین قرآنی
۱۹۸	تبیین روان‌شناختی
۱۹۹	پیشنهادهای پژوهشی
۱۹۹	شهوت
۱۹۹	تبیین لغوی

۲۰۰	..... تبیین قرآنی
۲۰۲	..... تبیین روان‌شناختی
۲۰۳	..... پیشنهادهای پژوهشی

### فصل هفتم: تداعی هیجان‌ها و احساسات در بعضی از واژه‌های قرآن

۲۰۸	..... خوف
۲۰۸	..... تبیین لغوی
۲۰۹	..... تبیین قرآنی
۲۱۲	..... تبیین روان‌شناختی
۲۱۳	..... پیشنهادهای پژوهشی
۲۱۴	..... رجاء
۲۱۴	..... تبیین لغوی
۲۱۵	..... تبیین قرآنی
۲۱۷	..... تبیین روان‌شناختی
۲۱۹	..... پیشنهادهای پژوهشی
۲۲۰	..... یأس
۲۲۰	..... تبیین لغوی
۲۲۱	..... تبیین قرآنی
۲۲۱	..... تبیین روان‌شناختی
۲۲۴	..... پیشنهادهای پژوهشی

### فصل هشتم: بعضی از واژه‌های قرآن درباره روان‌شناسی مثبت

۲۲۵	..... رحمت
۲۲۵	..... تبیین لغوی و قرآنی
۲۲۷	..... تبیین روان‌شناختی
۲۳۰	..... پیشنهادهای پژوهشی
۲۳۰	..... موَدّت
۲۳۰	..... تبیین لغوی و قرآنی
۲۳۲	..... تبیین روان‌شناختی
۲۳۴	..... پیشنهادهای پژوهشی
۲۳۴	..... رَأْفَت
۲۳۴	..... تبیین لغوی و قرآنی
۲۳۶	..... تبیین روان‌شناختی
۲۳۷	..... پیشنهادهای پژوهشی
۲۳۷	..... الْفَت

۲۳۷	.....	تبیین لغوی و قرآنی
۲۳۸	.....	تبیین روان‌شناختی
۲۳۹	.....	پیشنهادهای پژوهشی
۲۴۰	.....	خلت
۲۴۰	.....	تبیین لغوی و قرآنی
۲۴۲	.....	تبیین روان‌شناختی
۲۴۳	.....	پیشنهادهای پژوهشی
۲۴۵	.....	منابع



## پیشگفتار

تصوراتم درباره قرآن به تدریج و به ترتیب زیر بزرگ و بزرگ‌تر شد؛ هر مرحله را کوتاه در قالب چند کلمه بیان می‌کنم: ۱. کودکی، مکتب‌خانه «آقاسید»، قرآن‌خوانی پدر؛ ۲. مدرسه، زنگ قرآن، بی‌خیال، مهم نیست؛ ۳. مسجد روستا، مجلس ختم، آهنگ غیرفنی قاری محلی، رد کردن عروس و داماد از زیر قرآن؛ ۴. جوانی، شروع انقلاب، سخنرانان انقلابی: «...إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...»؛ ۵. اوج انقلاب، شعارهایی مربوط به قرآن مانند: «کتاب قرآن را، مسجد کرمان را، رکس آبادان را شاه به آتش کشید»؛ ۶. آشنایی با آثار شهید مطهری، این انقلاب برای حفظ اسلام و قرآن است؛ ۷. طلبگی، درس تفسیر آیت‌الله جوادی آملی (حفظه‌الله)، تصویری واقعی‌تر از قرآن؛ ۸. مؤسسه در راه حق، مجموعه آثار معارف قرآن مرحوم علامه مصباح یزدی؛ سیاست، اخلاق، حقوق، انسان‌شناسی، هستی‌شناسی، تاریخ، و... در قرآن؛ ۹. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، برجسب پژوهشگری، انس با رویکرد نظری و علمی در مورد قرآن؛ ۱۰. پژوهشگری، اندیشه‌ورزی، قرآن برای شکل دادن زندگی‌ها است، نه فقط آموختن؛ ۱۱. امام و امت با تمسک به قرآن، بسیاری از موانع انقلاب را از سر راه برداشته‌اند؛ ۱۲. دشمنان از قرآن می‌ترسند، آن را می‌سوزانند، آیاتش را شیطانی می‌خوانند و...؛ ۱۳. برای عملیاتی‌سازی قرآن در زندگی روزمره تخصص‌های لازم را نداریم؛ مشکلات به تدریج خودنمایی می‌کنند؛ ۱۴. بیانیه گام دوم انقلاب از سوی آیت‌الله خامنه‌ای صادر می‌شود و بر نیازها تصریح و تأکید می‌شود؛ ۱۵. کتاب حاضر و بعضی کتاب‌های دیگر که از سوی نگارنده نگاشته شده است، پاسخی کوتاه و شاید کم‌توفیق، نسبت به این احساس نیاز است؛ ۱۶. اکنون خدای را شاکرم که قرآن را برای شکل‌دهی سبک زندگی افراد و جوامع می‌خواهم، نه

فقط برای یاد گرفتن و انشاء‌الله به لطف خداوند، این باور را با خودم از مرز مرگ عبور خواهم داد.

برای اینکه محدوده این کتاب و ساختار آن مشخص شود؛ نخست اشاره‌ای به انواع پژوهش‌هایی می‌شود که درباره روان‌شناسی قرآنی می‌تواند انجام شود. این پژوهش‌ها را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد؛ برخی از اقسام آن، تا اندازه‌ای مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است، ولی برخی دیگر هنوز مورد پژوهش قرار نگرفته‌اند. در این کتاب به سبب حجم محدود تنها به یک قسم پرداخته می‌شود؛ تعدادی از مفردات قرآنی به صورت مختصر و گزینش شده مورد بررسی قرار می‌گیرد. تقسیم موردنظر به این صورت است:

الف) بررسی واژه‌ها و آیات روان‌شناختی قرآن؛ مانند «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» و «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ» (انفال، ۶۶) و... این گونه آیات فراوان است که از کلیت آیه می‌توان یک نکته روان‌شناختی دریافت کرد. درباره هریک از این آیات و نکات روان‌شناختی در آنها می‌توان پژوهش کرد و مقاله‌ها نوشت.

ب) بررسی مفاهیم و اصطلاحات برگرفته از روان‌شناسی معاصر که واژه قرآنی ندارند؛ مانند هوش، نگرش، شخصیت، اسناد که با روش‌های پژوهش کیفی در چارچوب تفسیر موضوعی انجام شده، زمینه را برای کارهای میدانی و آماری فراهم می‌سازد؛ کارهای مختصری از این نوع انجام شده است. در روان‌شناسی، مفاهیم و سازه‌های مفهومی بسیار زیاد وجود دارد؛ این مفاهیم ممکن است کلیدی و اصلی باشند، مثل چند مفهومی که بیان شد و می‌تواند در رده‌های دوم و سوم باشند و زیرمجموعه هر کدام از مفاهیم اساسی و کلیدی قرار گیرند. بسیاری از این مفاهیم، توسط اساتید و دانشجویان علاقه‌مند (داخل یا خارج از کشور)، مورد پژوهش قرار گرفته است. با یک جستجوی ساده در اینترنت با عنوان «روان‌شناسی اسلامی» یا «روان‌شناسی قرآنی» یا «روان‌شناسی و قرآن»، به آسانی می‌توان ده‌ها مورد از این پژوهش‌ها را مشاهده کرد.

ج) بررسی مفاهیم روان‌شناختی قرآن که در روان‌شناسی معاصر مطرح نیست و در قرآن وجود دارد؛ مانند ایمان، زهد، صبر، توکل، مواسات... این قسم از مفاهیم نیز ممکن است از مفاهیم اساسی و کلیدی باشند، مثل آنچه ذکر شد و ممکن است از زیرمجموعه‌های آنها باشند؛ در این باره هم برخی پژوهش‌ها انجام شده است، ولی با آنچه می‌تواند انجام شود،

فاصله زیادی دارد. با انجام این نوع پژوهش می‌توان یک دانشنامه قرآنی-روان‌شناختی در چند مجلد تهیه کرد. آنچه تاکنون ذیل عنوان روان‌شناسی قرآنی شکل گرفته است، در همین حد بوده است؛ یعنی از بررسی تک‌مفهوم‌ها فراتر نرفته است، مثلاً شاید کسانی درباره «شخصیت» با رویکرد قرآنی پژوهش کرده باشند و دیدگاه خاصی در مورد «شخصیت قرآن‌بنیان» داشته باشند، اما زمانی این رویکرد، قابل دفاع و پذیرش است که نوعی منظومه‌سازی را در درون خود داشته باشد؛ یعنی باید بتواند «تحول انسان» در ابعاد مختلف را ذیل آن رویکرد شخصیتی بیان کند، برای «انگیزش و هیجان» بیانی داشته باشد که کاملاً ذیل آن دیدگاه شخصیت جای گیرد، باید بتواند بهنجار و نابهنجار، نشانه‌شناسی و پیشگیری و درمان اختلالات و... را ذیل همان رویکرد شخصیت و متناسب با آن رویکرد توضیح دهد؛ همچنین باید دیگر شاخه‌های روان‌شناسی را متناسب با آن دیدگاه شخصیت بتواند تبیین کند. این منظومه‌سازی قسمی دیگر از پژوهش‌های روان‌شناختی-قرآنی است که تاکنون کار زیادی انجام نشده، و باید در این باره بیشتر فعال بود.

د) منظومه‌سازی و انسجام‌بخشی به هریک از گرایش‌های روان‌شناسی (رشد، شخصیت، بالینی و...) با رویکرد قرآنی؛ در این سطح کارهای بسیار اندکی انجام شده، به گونه‌ای که نزدیک به صفر است. «انسجام‌بخشی» که در مورد «شخصیت» اشاره شد، می‌تواند درباره تمام مفاهیم کلان و گرایش‌های روان‌شناسی نیز محقق شود؛ پژوهشگر و صاحب‌نظری را نمی‌شناسم که مدعی باشد در یک گرایش از گرایش‌های روان‌شناسی، پژوهش‌های قرآنی-روان‌شناختی به اندازه‌ای انجام داده باشد که بتواند به پرسش‌های مختلف در همان گرایش از زوایای متفاوت پردازد و پاسخ آنها را ارائه کند. در جامعه علمی «روان‌شناسان مسلمان» و «روان‌شناسی اسلامی»، هنوز در این سطح احساس نیاز نشده است.

ه) منظومه‌سازی برای «روان‌شناسی قرآن‌بنیان» به عنوان یک مکتب روان‌شناختی» که همه شاخه‌های روان‌شناسی را به صورت منسجم و مکمل در کنار هم و متناظر با هم ببیند؛ در این جهت هیچ کار اقدام شده‌ای را نمی‌شناسیم، به جز چند مقاله که کوشیده‌اند یک «نقشه راه» برای این کار ترسیم کنند. پیش‌نیاز این کار آن است که در همه گرایش‌های روان‌شناسی، منظومه‌سازی اولیه انجام شده باشد؛ در این صورت نوبت به آن می‌رسد که همه گرایش‌ها و منظومه‌های شکل گرفته در کنار هم ملاحظه و مشخص شود که آیا به عنوان یک کل منسجم،

همدیگر را کامل می‌کنند؟ آیا با هم مخالفی ندارند؟ آیا در پاسخ به یک مسئله روان‌شناختی، مانند «شرایط و ویژگی‌های یک مهد کودک اسلامی»، به تصمیم واحد و یکپارچه می‌رسند؟ چنانچه «روان‌شناسی قرآنی» به این سطح رسیده باشد، آنگاه نوبت به این سؤال می‌رسد که آیا با علوم اسلامی دیگر همخوانی دارد یا نه؟ آیا «روان‌شناسی اسلامی» با «فقه اسلامی»، «کلام اسلامی»، «اخلاق اسلامی»، «جامعه‌شناسی اسلامی» و... همخوانی و سازگاری دارد یا نه؟ آیا همه دانش‌های اسلامی همچون علوم اسلامی محض، علوم انسانی اسلامی و... به عنوان زیرسیستم‌های «سیستم جامع مفهومی اسلام» عمل می‌کنند؟

و) شکل‌دهی آن منظومه ذیل «سیستم جامع مفهومی اسلام» و بررسی روایی محتوایی آن متناسب با آن هندسه معرفتی باشد؛ به گونه‌ای که تمام شاخه‌های علوم، یک کلّ منسجم را تداعی کنند. مشخص است که آنچه به عنوان علوم و معارف اسلامی شناخته می‌شود، در درون خود اجزای متخالف ندارد؛ برای مثال اخلاق اسلامی با اقتصاد اسلامی منافات ندارد؛ روان‌شناسی اسلامی با فقه اسلامی بیگانه نیست؛ تربیت اسلامی با هنر اسلامی ناسازگار نمی‌باشد و...

الزاماً این پنج قسم پژوهش اولویت‌بندی زمانی نسبت به یکدیگر ندارند؛ اگرچه در مواردی اولویت رتبی نسبت به یکدیگر دارند، ولی لازم است که هر یک از اقسام پژوهش‌های یادشده، از ابتدا با توجه به منظومه‌سازی ذیل سیستم جامع مفهومی اسلام انجام شود. این ترتیب پنجگانه‌ای که بیان شد؛ در مقام تعلیم، تعلم و تنظیم ذهنی راهبردارهای فرهنگی و علمی جامعه می‌باشد، اما کاملاً مشخص است که در میدان عمل و اجرا هر گامی که در هر مرحله‌ای برداشته می‌شود؛ باید با توجه به «سیستم جامع مفهومی اسلام» باشد. این مراحل مختلف به‌مثابه یک ساختمان فیزیکی نیستند که هر کدام به‌طور جداگانه ساخته شده، و در پایان در کنار هم جمع شوند.

این کتاب تنها به گوشه‌ای از قسم اول می‌پردازد و معترف است که به اقتضای حجم، فقط به بعضی از واژه‌های روان‌شناختی قرآن خواهد پرداخت. پس مشخص است که مفاهیم روان‌شناختی به عنوان یک مفهوم بررسی نمی‌شوند، مگر در حدّ شناسایی واژه‌ها؛ از پژوهش‌های نوع اول به عنوان پیش‌نیاز برای پژوهش‌های نوع دوم، یعنی بررسی مفاهیم روان‌شناختی استفاده می‌شود.



در این کتاب تلاش شده است که هر واژه روان‌شناختی دریافت شده از قرآن در چهار زیرموضوع بررسی شود: الف) تبیین لغوی؛ ب) تبیین مختصر قرآنی؛ ج) تحلیل مختصر روان‌شناختی؛ د) ارائه پیشنهادات پژوهشی.

هدف این پژوهش گشودن پنجره‌ای برای ارتباط بیشتر دانشجویان با اساتید روان‌شناسی است که شاید پیش‌تر با قرآن ارتباط پژوهشی نداشته، اما علاقه‌مند به ورود در این فضای علمی بوده‌اند. ایشان بسیاری از اساتید و دانشجویان تحصیلات تکمیلی می‌باشند که به مباحث قرآنی-روان‌شناختی علاقه‌مندند، اما یک نیازسنجی پژوهشی مختصر هم در این مورد انجام نشده، تا بتوانند موضوع مناسب و مورد علاقه خود را انتخاب کنند. این پژوهش در کنار معرفی واژه‌های قرآنی-روان‌شناختی، از رویکرد قرآن و روان‌شناسی با ارائه پیشنهادهای پژوهشی متناسب با هر واژه، به اختصار این نیاز را نیز برآورده کرده است.

با دقت در ساختار کلی این کتاب و فهرست مطالب و مباحث مقدماتی که بیان شد؛ مشخص می‌شود که مباحث قرآن و روان‌شناسی تا چه اندازه می‌تواند گسترده باشد! و چشم‌اندازهای جدیدی را در هر یک از گرایش‌های مختلف روان‌شناسی ایجاد کند! و چقدر می‌تواند صاحب‌نظران روان‌شناسی معاصر و روان‌شناسی اسلامی را به مباحثات علمی سوق دهد!

زیرموضوع نخست، در هر واژه عبارت از تبیین لغوی آن واژه است؛ ذیل تبیین لغوی تلاش شده که از منابع لغوی معتبر درباره هر واژه، متقن‌ترین معنا یا معناهای آن واژه به بیانی روان به مخاطب ارائه شود؛ از آوردن مباحث تخصصی، چالشی و عمیق شدن در ریشه‌های واژه‌ها در تبیین لغوی اجتناب شده و به معنای اصلی و مورد اتفاق بسنده شده است؛ به‌گونه‌ای که مخاطب بتواند تصور درستی از آن واژه داشته باشد.

زیرموضوع دوم، عبارت از یک نگاه کوتاه و روان به مفهوم قرآنی آن واژه است. این نگاه قرآنی از کنار هم گذاشتن سایر آیاتی که آن واژه را به کار برده‌اند و نیز از مراجعه به بعضی از تفاسیر شکل می‌گیرد؛ در این قسمت هم به اختلاف‌نظرها پرداخته نمی‌شود. این تبیین قرآنی، قطعاً برای کسانی مفید است که تخصص قرآنی ندارند و می‌خواهند دریافت درستی از مفهوم آن واژه داشته باشند؛ اگرچه متخصصان ممکن است در بعضی واژه‌ها، انتظار بحث‌های تخصصی‌تری را داشته باشند.

در زیرموضوع سوم، ذیل «تبیین روان‌شناختی» تلاش شده است که نقاط تماس آن واژه قرآنی در مباحث روان‌شناختی مورد اشاره قرار گیرد. مخاطبی که در روان‌شناسی تخصص دارد و در تبیین لغوی و قرآنی نیز آشنایی اندکی با این واژه یافته است، اکنون کنجکاو می‌شود که این واژه در چه گرایشی، ذیل چه مفهومی، در پاسخ به چه پرسش روان‌شناختی، جایگاهی مناسب می‌یابد؟ در تبیین روان‌شناختی تلاش شده است که به این جایگاه‌ها و نکات اشاره‌ای مختصر شود.

در زیرموضوع چهارم، ذیل «پیشنهادهای پژوهشی» تلاش می‌شود که موضوعات پژوهشی متنوعی به پژوهشگران ارائه گردد؛ این موضوعات در سطوح مختلفی قابل پژوهش می‌باشد؛ بعضی ممکن است یک رساله دکتری یا پایان‌نامه ارشد را پوشش دهند، بعضی شاید یک پژوهش میدانی بزرگ را اقتضا کنند؛ برخی نیز ممکن است در حد یک مقاله علمی-پژوهشی ظرفیت داشته باشند و برخی هم شاید اقتضای یک مجموعه پژوهش را داشته باشند.

یادآوری می‌شود که کتاب حاضر، پس از چهار دوره تدریس در کلاس‌های درس دکتری در رشته «قرآن و روان‌شناسی» در «جامعه المصطفی العالمیه» (۱۳۹۷-۱۴۰۰) شکل گرفته، و در اینجا لازم است از دانش‌پژوهان عزیز می‌توانم که با علاقه و جدیت در این مباحث شرکت می‌کردند و نیز از گروه «قرآن و علوم» که زمینه آن را فراهم کردند، تشکر ویژه داشته باشم. با توجه به آنکه این کتاب پیشینه ندارد، مناسب است که به بعضی از معیارهای گزینش واژه‌ها اشاره شود:

۱. موضوع پژوهش حاضر، واژه‌ها یا ترکیب‌های وصفی و اضافی مشتمل بر مفهوم روان‌شناختی است و از بحث درباره عبارات و جمله‌هایی که دال بر مفاهیم روان‌شناختی می‌باشد، اجتناب شده است؛ مثلاً جمله «إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِثْرَيْنِ» یا جمله «إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي» یا... هر کدام یک مطلب روان‌شناختی دقیقی را ارائه می‌کنند، اما این مطلب از کل جمله برمی‌آید، نه از یک واژه آن، پس مورد بررسی در این پژوهش نیستند.

۲. تأکید بر این بوده است که مفهوم حقیقی واژه مورد نظر باشد، نه مفهوم مجازی یا استعاری و کنایی آن واژه؛ برای مثال کلمه «أُذُنٌ» در آیه شریفه «يَقُولُونَ هُوَ أذنٌ، قل اذن خیر لکم»، مورد بررسی در این پژوهش نیست، چون مطلب روان‌شناختی مهمی از کل آیه شریفه برمی‌آید، نه از واژه «اذن و این واژه در اصل به «گوش جسمانی» اشاره دارد، اما در اینجا به

کنایه به معنای «زودباور» آمده است.

۳. واژه مورد بحث نباید ذیل یک واژه دیگر معنا شود، بلکه باید خودش استقلال معنایی داشته باشد؛ مثلاً در آیه شریفه «بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ» کلمه «ران» خودش معنای روان‌شناختی دارد و می‌توان به صورت مستقل به بُعد روان‌شناختی آن پرداخت، ولی در این پژوهش آورده نمی‌شود چون ذیل کلمه «قلب» معنا می‌شود و آیات مربوط به آن در کنار آیات مربوط به «قلب» بررسی می‌شوند و معنای دقیق خود را می‌یابد؛ بنابراین به صورت مستقل مورد بحث ما نیست.

۴. برخی واژه‌ها نسبت به یکدیگر حالت «کل و جزء»، «کلی و جزئی»، «عام و خاص» و... دارند؛ در این پژوهش به واژه‌های عام‌تر، کلی‌تر و کلیدی‌تر... پرداخته شده است؛ واژه‌های دیگر به مناسبت بحث‌های گوناگون، به صورت خیلی مختصر در متن یا در زیرنویس، تنها مورد اشاره و شمارش قرار گرفته‌اند تا زمینه برای پژوهش‌های بعدی درباره آنها فراهم شود. واژه‌های روان‌شناختی قرآن که در روان‌شناسی قرآن‌بنیان حضور قطعی و مؤثر دارند، فراوان است، ولی حجم این کتاب محدود می‌باشد؛ بنابراین ممکن نبود که همه واژه‌ها در یک کتاب بررسی شود. پس واژه‌ها طبقه‌بندی شدند و به صورت گزینشی، کلیدی‌ترین آنها مورد بررسی قرار گرفت.

از بین واژه‌های بسیار زیادی که معیارهای یادشده را دارند، این موارد انتخاب شدند:  
الف) از مبانی و پیش‌فرض‌های روان‌شناسی قرآن‌بنیان به شمار می‌روند (فصل اول)؛  
ب) واژه‌ای کلیدی و از مفاهیم اساسی در روان‌شناسی قرآن‌بنیان قلمداد می‌شدند که با بررسی آنها، برخی واژه‌های دیگر نیز ذیل آن روشن می‌شوند (فصل دوم)؛  
ج) به روشنی خود واژه، بار معنایی روان‌شناختی دارد (فصل سوم تا هشتم).  
پس تنها بعضی از گرایش‌های روان‌شناسی (پیش‌فرض‌ها، مفاهیم اساسی، صفات شخصیت، تیپ‌های شخصیتی، روان‌شناسی شناختی، روان‌شناسی انگیزش، روان‌شناسی هیجان و روان‌شناسی مثبت) بررسی شده است.<sup>۱</sup> عناوین بیان شده، فصول هشت‌گانه کتاب را تشکیل داده‌اند.

۱. گرایش‌هایی همانند روان‌شناسی خانواده، بالینی، مشاوره، رشد، اجتماعی، معنوی و اخلاق و نیز گرایش‌های کاربردی همچون روان‌شناسی سیاسی، نظامی، صنعتی، تبلیغات، قضائی و برخی موارد دیگر نیازمند پژوهش‌های بعدی می‌باشند.

کتاب حاضر می‌تواند در فضای علمی موجود به چند صورت ایفای نقش کند: الف) به عنوان یک متن درسی یا کمک درسی برای درس‌هایی همچون «روان‌شناسی در قرآن و حدیث» در گروه‌های روان‌شناسی در دانشگاه‌ها، «آیات روان‌شناختی قرآن» در مقطع دکتری در جامعة المصطفی العالمیه و واحدهای درسی مشابه در حوزه علمیه قم، مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت و... استفاده شود؛

ب) به عنوان یک متن مرجع مورد استفاده برای همه کسانی باشد که به روان‌شناسی اسلامی علاقه‌مندند و تلاش می‌کنند تا مفاهیم قرآنی در روان‌شناسی، جایگاه مناسب خود را بیابند؛ ج) زمینه‌هایی را برای پژوهش‌های قرآنی-روان‌شناختی از سوی اساتید و دانشجویان تحصیلات تکمیلی در دانشکده‌های روان‌شناسی و حوزه‌های علمیه فراهم سازد (به‌ویژه با پیشنهاد‌های پژوهشی برای هر یک از واژه‌ها).<sup>۱</sup>

برای بررسی «واژه‌های روان‌شناختی قرآن»، به جز بعضی از واژه‌های بنیادین مانند نفس، قلب، فطرت و... پیشینه‌ای نیافتیم؛ این پژوهش با مطالعه قرآنی و در بافت معناشناختی قرآن شروع می‌شود و در همین بافت پایان می‌پذیرد. به لحاظ مفهومی، خود را در «چارچوب شکل گرفته روان‌شناسی معاصر» محدود نمی‌کند. پس نباید انتظار داشت که آنچه در روان‌شناسی معاصر آمده است، دقیقاً همان مطالب در این کتاب نیز ارائه شده باشد.

در چینش مباحث و تنظیم فهرست مطالب (نه در محتوا)، تا حد امکان به فصل‌بندی کتاب‌های روان‌شناسی عمومی توجه شده و کوشیده است تا به‌درستی تداعی معانی بین روان‌شناسی معاصر و روان‌شناسی قرآن بنیان صورت پذیرد.

بعضی از واژه‌های روان‌شناختی قرآن ممکن است با دو یا چند گرایش از روان‌شناسی معاصر تناسب داشته باشند، آنها در فصل و گرایشی بررسی شده‌اند که تناسب بیشتری را با آن دارند؛ برای نمونه «مخلصین»، «صادقین»، «فاسقین» و... هم در روان‌شناسی شخصیت به

۱. پیشنهاد‌های پژوهشی ارائه شده در این متن از نوع پژوهش‌های کلیدی به شمار می‌روند که با انجام هر یک از آنها شاید چندین موضوع پژوهشی دیگر در آن حیطه رخ نماید؛ برای مثال در شکل‌دهی شبکه معنایی برای هر یک از واژه‌های روان‌شناختی، زمینه پژوهش‌های دیگری درباره واژه‌های همانند، مشابه، متضاد و... فراهم می‌شود. هرگاه درباره یکی از این واژه‌ها، پرسشنامه‌ای با رعایت همه امور روان‌سنجی ساخته می‌شود، ممکن است اجرای مکرر آن در حیطه‌های مختلف کاربردی، چندین پژوهش دیگر را شکل دهد؛ در هر صورت این پیشنهادها به عنوان نقطه آغاز در یک زنجیره پژوهشی می‌باشند نه در نقطه پایان.

عنوان «تیپ شخصیتی» قابل بررسی می‌باشند و هم در روان‌شناسی اجتماعی ذیل «گروه‌های اجتماعی» و هم ذیل گرایش «روان‌شناسی معنوی»، اما به نظر می‌رسد که تناسب بیشتری با تیپ‌های شخصیتی دارند؛ در نتیجه ذیل همین عنوان بررسی شده‌اند.

مباحث و رویکرد این کتاب، با آنچه که آن را «روان‌شناسی قرآن‌بنیان» می‌نامیم، تناسب کامل دارد؛ اگرچه پرداختن به بعضی از مفاهیم و واژه‌های قرآنی ممکن است ایدئولوژیک بودن را تداعی کند، ولی یادآور می‌شویم که «روان‌شناسی قرآن‌بنیان» روان‌شناسی علمی را نفی نمی‌کند، بلکه «علم تجربی روان‌شناسی» در درون و ذیل «مکتب روان‌شناسی قرآن‌بنیان» تعریف می‌شود. «روان‌شناسی قرآن‌بنیان» به این منظور مطرح می‌شود که بتواند در «جامعه اسلامی موجود» و «جامعه‌سازی مطلوب اسلامی» ایفای نقش کند.

اکنون لازم می‌دانم که سپاسگزاری و تشکر خود را به محضر عزیزانی تقدیم دارم که به هر شکلی در این مسیر از محبت آنها بهره‌مند بوده‌ام؛ از اساتید معظم آیت‌الله سیدمحمد غروی‌راد، حجج اسلام آقایان دکتر سید محمود طیب حسینی و دکتر محمدصادق شجاعی که این کتاب را دوبار خوانده و با تذکرات اصلاحی خود موجب تقویت این کتاب شده‌اند، تشکر ویژه دارم. از دانش‌پژوهان گروه «قرآن و علوم» در مقطع دکتری در جامعه‌المصطفی سپاسگزاری می‌کنم که در مباحثات اولیه این کتاب در کلاس درس با دقت تمام همکاری و همراهی داشتند و نیز از همه کسانی تشکر می‌کنم که در ساماندهی و انتشار این اثر همت کرده و از هیچ کوشش و تلاشی دریغ نورزیده‌اند.



## فصل اول

### پیش فرض‌های نظری روان‌شناسی اسلامی در واژه‌های قرآن

این فصل به مفاهیمی اختصاص می‌یابد که حالت پیش فرض نسبت به مباحث دیگر دارد؛ از یکسو، اگر این واژه‌ها و مفاهیم را باور نداشته باشیم و آنها را در ساختار شناختی، عاطفی و رفتاری خود جاری نسازیم، روان‌شناسی اسلامی ما تفاوت چندانی با روان‌شناسی معاصر نخواهد داشت و اصولاً احساس نیاز به روان‌شناسی اسلامی نخواهیم کرد و از سوی دیگر، چنانچه به این واژه‌ها و مفاهیم باور داشته باشیم، آنگاه یکباره به مسیری جدید وارد می‌شویم؛ در ابتدا شاید به نظر برسد که برخی از این واژه‌ها مانند «قیامت»، به‌طور مستقل واژه‌ای روان‌شناختی نیست؛ ولی باید توجه داشته باشیم که این‌گونه مفاهیم از زیربناهای «کلام اسلامی» می‌باشند و جایگاهی دارند که تمام واژه‌ها و مفاهیم روان‌شناختی فصول بعد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. چنانچه به این واژه‌ها و مفاهیم بی‌توجه باشیم، پژوهش درباره «روان‌شناسی اسلامی» بی‌معنا خواهد بود و نیز اگر این مفاهیم در مباحث روان‌شناسی اسلامی حضور نداشته باشند و ایفای نقش نکنند، روان‌شناسی اسلامی انسجام مفهومی نخواهد داشت. این‌گونه واژه‌ها، ما را به سوی مطالعات و اقدامات اسلامی-روان‌شناختی سوق می‌دهند؛ بعضی از این پیش فرض‌ها عبارتند از: «ایمان» (الَّذِينَ آمَنُوا)، «غیب» (يَوْمَنُونَ بِالْغَيْبِ)، «روح» (وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي)، «تکلیف» (لَا تُكَلِّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا)، «قرآن» (إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّيْتِي هِيَ أَقْوَمٌ)، «بندگی» (قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ)، «وفات» (اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ)، «فقر» (وَأَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ)، «قضاء الهی» (سُبْحَانَهُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّا نَبْقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ)، «تقدیر الهی» (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ)، «نفس» (اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا) و...؛ با نگاهی عمیق‌تر واژه‌های «الله»، «الرحمن» و «الرحیم» نیز از این دست می‌باشند. با توجه به آنکه پرداختن به همه این مفاهیم در اینجا وجود ندارد، تنها تعدادی از آنها را بررسی می‌کنیم.

## قیامت

### تبیین لغوی

«قیامت»، یعنی قائم شدن و روز قیامت را به همین جهت قیامت گویند که در آن وقت مردگان زنده شوند و قیام کنند؛ قیامت به معنای برانگیختن پس از مرگ است. قیامت در لغت از قیام، خیزش و برخاستن و در اصطلاح، برخاستن انسان از خاک و حضور در عالم پس از مرگ است (ابن منظور، ۱۴۱۴). در قرآن نام‌های بسیاری برای قیامت آمده است؛ از آن جمله: الواقعة، الراجفة، الطامة، الصاخة، الحاققة، يوم الفصل، يوم الندم، يوم النشور، يوم الحق، يوم المسألة، يوم الفراق، يوم الحساب، يوم الحكم، يوم العذاب، يوم المحاسبة و يوم التلاق و يوم الحسرة، عقبی، غاشیه، قارعه، محشر، معاد، يوم التغابن (منتهی الارب). در فارسی نیز نام‌های مختلفی مثل قیامت، آخرت، رستاخیز، سرای دیگر، روز حشر و... برای آن به کار برده می‌شود.

### تبیین قرآنی

بنابر آموزه‌های قرآن، قیامت نام روزی است که تمام انسان‌ها به خواست الهی برای محاسبه اعمالشان در دنیا در پیشگاه الهی جمع می‌شوند. بحث قیامت نیازمند مباحث فلسفی و کلامی است که در اینجا به آن نمی‌پردازیم. اثبات قیامت و تقسیم آن به صغری (برزخ) و کبری (آخرت) و... در علم کلام بحث می‌شود. انسان پس از مرگ وارد عالم برزخ می‌شود که میان دنیا و آخرت قرار دارد؛ «هنگامی که مرگ یکی از انسان‌ها فرا می‌رسد، تقاضا می‌کند که پروردگارا! مرا به دنیا برگردان تا اعمال صالحی را که ترک کرده بودم، انجام دهم؛ (اما در پاسخ به وی گفته می‌شود) هرگز بازگشتی برای تو نیست و این سخن بی‌اساسی است که او بر زبان جاری می‌کند و پس از زندگی دنیوی آنان، حیات برزخی است که تا قیامت ادامه دارد»<sup>۱</sup>.

پس از برزخ، همه انسان‌ها (از اولین تا آخرین) جمع شده، وارد مرحله جدیدی از زندگی و حیات می‌شوند و به پاداش یا جزای اعمال و رفتار زندگی دنیایی خود می‌رسند. از نظر قرآن، توجه انسان‌ها به قیامت بسیار اهمیت دارد؛ حدود هفتاد مرتبه تعبیر «یوم القیامه» در قرآن به کار رفته و بیشترین کاربرد آن عبارت از وعده‌گاه انسان‌ها پس از مرگ برای حسابرسی و دیدن پاداش

---

۱... قَالَ رَبِّ اِزْجَعُونِ؛ لَعَلِّي اَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا اِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ اِلَى يَوْمِ يُعْتَبُونَ (مؤمنون، ۱۰۰).



بیش‌فرض‌های نظری روان‌شناسی اسلامی در واژه‌های قرآن ۱۳

و کیفر رفتارهای خود است. این محاسبه هم به صورت «تجسم اعمال» و هم به صورت «نامه اعمال» می‌باشد که به دست راست (نشانه رستگاری) یا چپ (نشانه نارسنگاری) انسان می‌دهند و همه ریز و درشت رفتار او در آن ثبت شده است. از آنجا که معیارهای درستی یا نادرستی رفتار انسان‌ها، پیش‌تر در دنیا به آنان معرفی شده‌اند؛ هر کس که رفتارش با آن معیارها هماهنگ‌تر باشد، سعادت‌مندتر خواهد بود و برعکس.

پیش از آخرت، وقایعی شگفت در زمین و آسمان روی می‌دهد که به «اشراط الساعة» معروف است. یادآوری آنها توسط قرآن برای این است که در آن روز محاسبه اعمال انسان انجام می‌شود.<sup>۱</sup>

هر یک از نام‌هایی که در قرآن یا روایات برای قیامت به کار رفته، مطلب جدیدی را درباره قیامت ارائه می‌دهد. این نام‌ها در مجموع، مطالب بسیاری را بیان می‌کنند. نشانه‌های زیادی نیز برای قیامت بیان شده است؛ همچون متلاشی شدن کوه‌ها،<sup>۲</sup> برافروخته شدن دریاها،<sup>۳</sup> زلزله‌های بزرگ و ویرانگر،<sup>۴</sup> درهم‌پیچیدن خورشید،<sup>۵</sup> تاریک شدن ماه،<sup>۶</sup> تاریک شدن ستارگان،<sup>۷</sup> شکافتن آسمان<sup>۸</sup> و دمیده شدن صور اسرافیل.<sup>۹</sup>

فرارسیدن قیامت ناگهانی است؛ تنها خداوند زمان آن را می‌داند.<sup>۱۰</sup> «عظمت قیامت، ناگهانی بودن آن و آگاه نبودن از زمان آن موجب یک انتظار همیشگی در افراد می‌شود (مکارم،

۱. فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ (محمد، ۱۹).

۲. وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً (حاقه، ۱۴) و إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا، وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا (واقعه، ۴-۵).

۳. وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ (تکویر، ۶).

۴. ... إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَىْءٌ عَظِيمٌ: يَوْمَ تَرُؤِنَهَا تَدْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ ... (حج، ۱ و ۲)، إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا (زلزال، ۱ و ۲).

۵. إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ (شمس، ۱ و ۲).

۶. وَخَسَفَ الْقَمَرُ وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ (قمر، ۹ و ۱۰).

۷. وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ (تکویر، ۲).

۸. وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا (نبأ، ۱۹).

۹. وَتُفْحَخُ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ فِي سَاءِ يَوْمٍ نَبُؤُونَ (زمر، ۶۸).

۱۰. يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي (اعراف، ۱۸۷).

۱۳۷۴). مکان حضور و حسابرسی در فضایی است که واقعیت آن چندان برای ما روشن نیست، اما براساس آیات قرآن کریم، این نکته مشخص است که آسمان و زمین در آن زمان تغییر می‌کند. فضایی دیگر به وجود می‌آید و مخلوقات در محضر الهی حاضر می‌شوند.<sup>۱</sup> با یک بار دمیده شدن در صور اسرافیل، تمام زندگان می‌میرند، مگر کسانی که خدا بخواهد. با دمیده شدن برای بار دوم، همه انسان‌ها برخاسته و در انتظار محاسبه می‌مانند؛<sup>۲</sup> مهم‌ترین کار در قیامت، بررسی اعمال بندگان براساس قوانینی می‌باشد که در دنیا به مردم ابلاغ شده است.<sup>۳</sup> از همه چیز سؤال می‌شود؛ مانند وضعیت مجرمان،<sup>۴</sup> رفتار مشرکان با پیامبران،<sup>۵</sup> زنده به گور شدن دختران<sup>۶</sup> و...؛ تکلیف همه افراد، حتی مستضعفان فکری،<sup>۷</sup> دیوانگان (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۱)، بچه‌ها و خردسالان<sup>۸</sup> نیز مشخص است. نامه اعمال به اندازه‌ای دقیق و گویاست که کسی نمی‌تواند آن را انکار کند.<sup>۹</sup> سخن قرآنی درباره قیامت بسیار فراتر از آن است که بتوان آن را در اینجا به تفصیل بیان کرد؛ مباحث قرآنی مربوط به «قیامت» را می‌توان در چند مرحله جزئی‌تر کرد و در مورد مباحث آنها به تفصیل سخن گفت، ولی در اینجا به مختصری که بیان شد، بسنده می‌کنیم و در ادامه با نگاهی روان‌شناختی به آن می‌پردازیم.

### تبیین روان‌شناختی

«قیامت» از «پیش فرض»های روان‌شناسی قرآن‌بنیان است. کسی که سخن از روان‌شناسی قرآن‌بنیان بر زبان می‌آورد؛ به صورت نوشته و نانوخته، گفته و ناگفته به مخاطب خود و کسی که سخنش را ارزیابی می‌کند، نشان می‌دهد که این سخنان ذیل یک باور اصیل به نام

۱. یَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَ بَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ (ابراهیم، ۴۸).
۲. وَ نُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ (زمر، ۶۸).
۳. إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ... (فاطر، ۸).
۴. وَإِذَا الْمُؤُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ (تکویر، ۸ و ۹).
۵. وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ (قصص، ۶۵).
۶. وَإِذَا الْمُؤُودَةُ سُئِلَتْ؛ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ (تکویر، ۸ و ۹).
۷. إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانَ لَيْسَ عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا (نساء، ۹۸).
۸. وَالَّذِينَ آمَنُوا وَ اتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (طور، ۲۱).
۹. ... قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضًا مَسْحُورًا فَفْتَنَّا جُرُودًا فِيهَا فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا (نساء، ۹۷).

«قیامت‌باوری» به تخاطب درآمده است؛ حتی اگر خود گوینده توجه بالفعل نداشته باشد، در سخنان او هیچ نکته‌ای وجود نخواهد داشت که با «قیامت‌باوری» مخالف باشد؛ بر این اساس معتقدیم که «قیامت‌باوری» در تمام یا بیشتر شاخه‌ها و گرایش‌های روان‌شناسی قرآن بنیان به عنوان پیش‌فرض حضور دارد و ایفای نقش می‌کند.

نکته بسیار مهم در ارتباط برقرار کردن بین بُعد قرآنی و بُعد روان‌شناختی قیامت این است که اعمال انسان در آن روز با قوانین اسلامی و پیشوایان دینی، یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام و صالحان سنجیده می‌شود و کسی که اعمال و اعتقاداتش شباهت بیشتری با اعمال و اعتقادات ایشان داشته باشد، سعادت‌مندتر خواهد بود. پاداش‌ها و کیفرها، نعمت‌ها و سختی‌ها، واقعیت‌های اعمالی است که انسان در دنیا انجام داده و در زندگانی اخروی، حقیقت آن نمایان شده است.<sup>۱</sup> میزان سنجش در آن روز، پیامبران و اوصیای آنها هستند. در روایتی دیگر، امیر مؤمنان و امامان پس از ایشان را به عنوان «میزان اعمال» در روز قیامت معرفی کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳)؛ بنابراین، چنانچه سخن از «قیامت» از دیدگاه قرآن می‌گوییم، به «قیامت‌باوری» انسان در این دنیا اشاره داریم، نه به قیامت به عنوان یک حقیقت بیرون از انسان. «قیامت‌باوری» مفهومی است که بُعد شناختی، عاطفی و رفتاری را در خود دارد. «باور داشتن»، یعنی اینکه بدان‌گونه شناخت‌ها و عواطف درباره یک موضوع در یکدیگر ادغام و در فرد درونی‌سازی شده‌اند که امکان جدایی آنها از یکدیگر وجود ندارد و به اقتضای آن شناخت‌ها و عواطف، رفتارها و تجلیات روانی فرد شکل می‌گیرد. پس وقتی سخن از قیامت‌باوری بر زبان می‌آوریم، منظور ما تنها این نیست که کسی بگوید: «من قیامت را قبول دارم»، پذیرفتن شناختی با «باور درونی» فاصله زیادی دارد؛ بر این اساس قیامت‌باوری در ابعاد مختلف روان‌شناسی حضور دارد؛ برای نمونه به بعضی از موارد اشاره می‌شود.

حضور قیامت‌باوری در مباحث انگیزش، امری بدیهی است؛ نه تنها در انگیزه‌های معنوی و متعالی بسیار تأثیرگذار است، بلکه حتی در انگیزه‌های فیزیولوژیک و ارضای آنها نیز ایفای نقش جدی خواهد داشت.

در مباحث شخصیت نیز حضور مؤثری دارد؛ بیشتر مفروضه‌های انسان‌شناختی شخصیت

۱. یَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ (آل عمران، ۳۰).

را تحت تأثیر قرار می‌دهد. قیامت‌باوری مستلزم اموری است که آن امور، خود در مباحث شخصیت از مباحث کلیدی به شمار می‌روند؛ «دوساحتی دانستن انسان»، «اصالت دادن به روح»، «اصالت دادن به هشیاری»، «اختیار»، «ظرفیت خوب شدن یا بد شدن انسان» و... از این امورند.

این واژه روان‌شناختی در همه رویکردهای اسلامی شخصیت همچون رویکردهای ارتباطی، فطرت، شاکله، قلب، نفس، مدل‌های دوقطبی و سه‌قطبی، سلسله‌مراتبی و شبکه‌ای حضور دارند و بر آنها تأثیر گذارند.

قیامت‌باوری به عنوان یک متغیر قوی مداخله‌گر، بیشتر صفات بنیادین شخصیت را تحت تأثیر قرار داده، و به آن جهت می‌دهد، برون‌گرایی یا درون‌گرایی افراطی آگاهانه را تعدیل می‌کند، سازگاری اجتماعی افراد را جهت می‌دهد، احساس گناه و وجدان اخلاقی فرد را فعال و وظیفه‌شناسی را تقویت می‌کند و نیز نوع دوستی و توافق‌پذیری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بسیاری از مفاهیم اساسی مانند ایمان، تقوی، توکل و... که در «روان‌شناسی قرآنی» جایگاه بسیار بالایی دارند، ذیل «قیامت‌باوری» معنا می‌یابند.

به نظر می‌رسد که «قیامت‌باوری» با «رشد قضاوت اخلاقی» در مراحل انتزاعی ارتباط مستقیم خواهند داشت؛ به عبارت دیگر قیامت‌باوری در فلسفه اخلاق، حضوری کاملاً مؤثر دارد، با «رشد متعالی» نیز که برآیند تلفیق رشد زیستی، شناختی، اخلاقی، اجتماعی و... است، نسبت مستقیم دارد. به هر میزان «قیامت‌باوری» در فرد بالاتر باشد، «رشد متعالی» بیشتری برای او حاصل شده است.

«قیامت‌باوری» در درمان نیز حضور مؤثر دارد؛ موجب «بهبودی ذهنی» و «ایمن‌سازی روانی» می‌شود، «سبک‌های مقابله با تنیدگی» را تحت تأثیر قرار می‌دهد. «هیجان‌خواهی» افراد را به سوی مصادیق عینی مورد نظر قرآن جهت می‌دهد. پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که قیامت‌باوری با اختلالات اضطرابی نسبت عکس دارد.

قیامت‌باوری در تمام شاخه‌های کاربردی روان‌شناسی به عنوان یک عامل نظارت و کنترل درونی ایفای نقش می‌کند.

در روان‌شناسی معنوی، چنانچه بخواهیم «معنویت» و «روان‌شناسی معنوی» را به درستی تبیین و تعریف کنیم، بدون توجه به قیامت‌باوری امکان ندارد. اگر «معنویت» به عنوان یکی از

بیش‌فرض‌های نظری روان‌شناسی اسلامی در واژه‌های قرآن ۱۷

ابعاد اصیل انسان در کنار ابعاد زیستی، روانی و اجتماعی در نظر گرفته شود، قطعاً بین انسان‌های «قیامت‌باور» و «قیامت‌ناباور» تفاوت وجود دارد.

افزون بر آنچه که به‌طور کلی بدان اشاره شد؛ سخنان و قواعد روان‌شناختی بسیاری را نیز می‌توان از آیات مربوط به «قیامت» استکشاف کرد؛ برای مثال قرآن انسان‌ها را بر «یاد قیامت» سفارش فراوانی می‌کند، این نکته می‌تواند در «مراقبه» و «مدیتیشن» بسیار تأثیرگذار باشد. هنگامی که قرآن صحنه قیامت را ترسیم می‌کند؛ آن‌چنان تصویر ذهنی و شبه‌گرافیکی قوی و پراحساس و هیجانی را ایجاد می‌کند که بسیار در اعماق روان انسان‌های متفکر تأثیر می‌گذارد. زمانی که رابطه انسان‌ها در قیامت را ترسیم می‌نماید، زندگی امروزی ما را ویرایش و پیرایش می‌کند. این نکته که «زمان قیامت» نامشخص می‌باشد، نکته‌ای بسیار اثرگذار است.

### پیشنهاد‌های پژوهشی

۱. بررسی میدان معنایی «یوم القیامه» در قرآن کریم، با توجه به مترادف‌ها، متضادها، و هماینها؛
۲. ساخت و روایی‌سنجی آزمون «قیامت‌باوری»؛
۳. بررسی تأثیر «قیامت‌باوری» بر «اخلاق اجتماعی»؛
۴. بررسی نظری در کیفیت ارتباط «قیامت‌باوری» با «شخصیت»، «انگیزش» و «رشد معنوی» در پژوهش‌های جداگانه؛
۵. روش‌ها و مکانیزم‌های نهادینه کردن «قیامت‌باوری» در جامعه اسلامی؛
۶. بررسی درجه قیامت‌باوری و مقایسه آن در ملل مختلف.

### غیب

#### تبیین لغوی

در کتاب‌های لغت چنین آمده است: هر آنچه را که از تو پنهان باشد، «غیب» گویند؛ «غ-ی-ب» بر چیزی دلالت دارد که از دیده‌ها پنهان باشد (ابن‌فارس، ۱۴۰۴)؛ هر آنچه از دیده‌ها پنهان باشد، غیب گویند؛ اگرچه در دل حاضر باشد: «صدایی را از غیب شنیدم»، یعنی از جایی که آن را نمی‌بینم و پنهان است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴). در قرآن نیز در سوره و آیاتی (مانند:

نساء، ۳۴؛ مائده، ۹۴؛ یوسف، ۸۱ و ۵۲؛ انبیاء، ۴۹ و حدید، ۲۵) واژه «غیب» به معنای (پنهان، خلوت، پشت‌پرده، پشت‌سر) آمده است؛ مثلاً قصه حضرت یوسف (علیه السلام) در آیه شریفه: «ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ»، کلمه غیب به معنای غایب بودن است. در قاموس قرآن آمده است: آنچه نهان و نهفته، و از دیده یا از علم پنهان است، «غیب» گویند. متخصصان لغت گفته‌اند: الْغَيْبُ: كُلُّ مَا غَابَ عَنْكَ؛ «قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ؛ ... من نهان آسمان‌ها و زمین را می‌دانم» (بقره، ۳۳).

اگرچه مفهوم «غیب» مشخص است، ولی در آیات مختلف شاید مصادیق متفاوتی مورد نظر باشد؛ برای نمونه در آیه شریفه: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ...» (بقره، ۳). گرچه لفظ «الغیب» مطلق است، ولی ظاهراً مراد از آن خداست چون در ذیل آیه، ایمان به پیامبران و کتب گذشته و قیامت را به صورت مستقل نام می‌برد. پس اصل‌های نبوت و معاد را بیان کرده، و توحید را نیز از کلمه غیب برداشت می‌کنیم. در آیه «يُحْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ» و آیاتی همانند آن (انبیاء، ۴۹؛ یس، ۱۱؛ مائده، ۹۴)، درباره کلمه «بِالْغَيْبِ» سخنانی آورده است. طبرسی، زمخشری و بیضاوی «بِالْغَيْبِ» را به عذاب الهی که غیب است، برگردانده و گفته‌اند: «يُحْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ»، یعنی از خدایشان می‌ترسند درحالی‌که از عذاب خدا غائب‌اند و آن را نمی‌بینند. در این صورت باید «باء» به معنای ظرفیت «فی» باشد. در المیزان ذیل آیه ۹۵، سوره مائده آمده است: معنای خوف بالغیب آن است که انسان از خدایش بترسد و از عذاب او برحذر باشد، حال آنکه عذاب و عقاب از انسان غائب است و چیزی از آن را به ظاهر مشاعرش نمی‌بیند. بنابر نظر علامه طباطبایی باید «باء» به معنای «من» باشد. بعضی گفته‌اند: معنای «حَشِيَ الرَّحْمَنُ بِالْغَيْبِ» آن است که از خدا بترسد، با آنکه او را ندیده است و در آیه شریفه «عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ» (رعد، ۹) نیز به همین صورت است. در داستان یوسف (علیه السلام) می‌خوانیم که همسر عزیز مصر، هنگامی که در غیاب یوسف اعتراف به پاک‌ی او کرد؛ افزود: «ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ». «الغیب» شامل همه نهان‌ها است. آیه شریفه «تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا...» (هود، ۴۹) بیان می‌کند که خداوند، غیب‌هایی را به حضرت رسول ﷺ آموخته و آن حضرت به اصحابش، به‌ویژه به امیرالمؤمنین (علیه السلام) بیان

۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَتْلُوَنَّكُمْ اللَّهُ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الصِّدْقِ تَنَالُهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ (مائده، ۹۵).